



جایگاه بریکس در آستانه گذار به نظم جهانی چندقطبی

صبح ۸

سال هفدهم
شماره ۳۹۸۴
دوشنبه
۱۳ سنبله ۱۴۰۲
۴ سپتامبر ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

۴

ادامه باج‌گیری طالبان؛

پول و سلاح بدهید



منابع محلی در کابل و ولایت‌های شمال پایتخت می‌گویند که طالبان روند بازداشت نظامیان حکومت پیشین و غیرنظامیان را در بخش‌های مختلف کشور افزایش داده‌اند. به گفته منابع، طالبان تنها در یک هفته اخیر ده‌ها تن از باشندگان پنجشیر، پروان، بغلان و تخار را بازداشت کرده‌اند. منابع می‌افزایند که طالبان این افراد را به «بهبان‌های مختلف» بازداشت می‌کنند و در برابر پرداخت پول دوباره آزاد می‌سازند. به گفته منابع، طالبان افراد بازداشت‌شده را در زندانی‌هایشان تحت شکنجه...

۳



حاکمیت فقر؛

شهروندان از تهیه یک وعده غذایی عاجزند

۳

تاراج معادن افغانستان؛ معامله با طرف نامشروع

۷

حمله جبهه آزادی بر طالبان در لغمان؛ دو طالب کشته و پنج طالب دیگر زخمی شده‌اند

۸ صبح، کابل: جبهه آزادی افغانستان اعلام کرده است که در نتیجه حمله بر دفتر طالبان در ولسوالی دولت‌شاه ولایت لغمان، دو طالب را کشته و پنج طالب دیگر را زخمی کرده‌اند. جبهه آزادی افغانستان روز یکشنبه، ۱۲ سنبله، با نشر خبرنامه و یک نوار تصویری گفته که این حمله شب گذشته انجام شده است. به گفته این جبهه، در این حمله چندین فیر موشک آرپی جی به صحن ولسوالی اصابت کرده است.



طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که جمعه‌شب نیز جبهه آزادی افغانستان از حمله بر یک پاسگاه طالبان در منطقه «کچی حاجی‌ها» از مربوطات ولسوالی بگرام ولایت پروان خبر داده بود. در روزهای اخیر تحرکات جبهه‌های ضد طالبان در نقاط مختلف کشور افزایش پیدا کرده است.

بایدن هنگام شنیدن خبر فرار اشرف غنی از کابل:

به من استراحت بده



به نوشته فوئر، ساکی تنها مقامی بود که پس از دیدن تصاویر صحنه‌های دلخراش از تخلیه در کابل اور را از ادامه رخصتی تابستانی باز داشت. در این کتاب همچنان آمده است با آن که بایدن به سرعت مناطق بیشتری را تصرف کرده‌اند. برپایه اطلاعات درج شده در کتاب «آخرین سیاستمدار» در هفته‌های اول اگست ۲۰۲۱، چندین مقام بلندپایه کاخ سفید به تعطیلات رفتند. بایدن به کمپ دیوید رفت. آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه در همپتونز بود و جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید، خانواده‌اش را به ساحل برد.

۸ صبح، کابل: فرانکلین فوئر، از روزنامه‌نگاران آمریکایی در کتاب جدیدش تحت عنوان «آخرین سیاستمدار» نگاشته که وقتی به رییس جمهور بایدن گفته شد که اشرف غنی از کابل فرار کرد، واکنش انفجاری داشته است. فاکس نیوز یک‌شنبه‌شب، ۱۲ سنبله، به نقل از کتاب جدید فرانکلین فوئر، گزارش داده که سه روز پیش از سقوط کابل به دست طالبان جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، خبر فرار اشرف غنی از کابل را زمانی به بایدن داد که او در حال سپری کردن رخصتی تابستانی در کمپ تفریحی دیوید بود. به نوشته این کتاب جو بایدن پس از شنیدن این خبر به شدت ناراحت شد و گفت: «به من استراحت بده!» براساس اطلاعات زمان فرار غنی قبل از وارد شدن طالبان به کابل، پایتخت، بایدن تنها کسی نبود که در تعطیلات تابستانی به سر می‌برد.

یک جوان در دایکندی خودکشی کرد

۸ صبح، کابل: منابع محلی از خودکشی یک پسر ۲۸ ساله در ولایت دایکندی خبر می‌دهند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این جوان مهدی نام داشت و شنبه‌شب، ۱۱ سنبله، در مربوطات حوزه دوم امنیتی شهر نیلی از مربوطات مرکز دایکندی خودش را حلق‌آویز کرده است. تا کنون انگیزه خودکشی این جوان معلوم نیست. مقام‌های محلی طالبان نیز وقوع این رویداد را تایید کرده و گفتند که این گروه بررسی‌هایش را در این خصوص آغاز کرده است. گفتنی است که از زمان تسلط طالبان بر کشور تا کنون آمار خودکشی‌ها در میان جوانان افزایش یافته است. برنیا آمارهای نشر شده، تنها در سه ماه اخیر دست کم هشت تن در ولایت دایکندی خودکشی کرده‌اند.

اندیشه‌های خیامی در سروده‌های رودکی

رودکی رابطه انسان و جهان را به رابطه مسافری با کاروان‌سرای هم‌اند می‌کند. مسافر در کاروان‌سرا زیاد نمی‌پاید...



«نام زنان افغانستان با مبارزه گره خورده است»





سازمان جهانی غذا: از هر ۱۰ خانواده در افغانستان نه خانواده غذای کافی ندارند



۸ صبح، کابل: سازمان جهانی غذا با ابراز نگرانی از وضعیت معیشتی شروندان افغانستان می‌گوید که از هر ۱۰ خانواده در این کشور، نه خانواده غذای کافی ندارند.

سازمان جهانی غذا روز شنبه، ۱۱ سنبله، با نشر نوار تصویری در شبکه اجتماعی ایکس گفته که گرسنه‌گی تا حدی رسیده است که کودکان با معده خالی به مکتب می‌روند.

این سازمان نوارهای تصویری شماری از دانش‌آموزان افغان و آموزگاران‌شان را نشر کرده است که در مورد تأثیرات بد گرسنه‌گی صحبت می‌کنند.

این سازمان افزوده است: «هیچ کودکی نباید با معده خالی یاد بگیرد.»

یکی از دانش‌آموزان دختر در این گزارش ویدیویی می‌گوید: «گاهی چای می‌باشد گاهی نمی‌باشد، گاهی نان هم است و گاهی نه، پدر ما بسیار فقیر است و نمی‌تواند برای ما نان بخرد اگر نان باشد می‌خوریم، اگر نباشد همین‌گونه به مکتب می‌آیم.»

با این حال، سازمان جهانی غذا تصریح کرده است

که هیچ کودک باید با معده خالی آموزش نبیند. طبق اظهارات این نهاد، به همین دلیل در سرتاسر افغانستان همه‌روزه به نزدیک به هفتصد هزار دانش‌آموز بیسکویت توزیع می‌کنند که نیم آنان را دختران تشکیل می‌دهند.

سازمان جهانی غذا مشخص نکرده که این گزارش از کدام ولایت کشور تهیه شده است.

پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، میزان فقر به‌گونه چشم‌گیری در میان خانواده‌ها در کشور افزایش پیدا کرده است.

براساس برآورد نهادهای جهانی، بیش از ۲۸ میلیون افغان نیازمند دریافت کمک‌های فوری بشتردوستانه هستند، اما نمی‌توانند به‌دلیل کاهش بودجه به همه خانواده‌های نیازمند کمک‌رسانی کنند.

در کنار کاهش بودجه نهادهای مدرسان، دست‌درازی طالبان در روند توزیع کمک‌ها در افغانستان چالش دیگری است که آسیب آن بیشتر به مردم نیازمند وارد می‌شود.

استبداد دینی در افغانستان

از روزگاری که عبدالرحمان کواکبی کتاب «طباع الاستبداد» را نوشت و از عواقب مرگبار آن برای ملت‌ها هشدار داد تا امروز بیشتر از یک قرن می‌گذرد، اما این منطقه و مردمانش هنوز از چنگ این اختاپوس رهایی نیافته‌اند. دوره‌های آزادی مانند نسیمی ملایم می‌آیند و می‌روند، اما ابرهای تیره و سنگین استبداد از فضای این سرزمین‌ها رخت بر نمی‌بندند. استبداد مترادف ظلم، بی‌داد، تبعیض، سرکوب و شکنجه است و از این رو تاریک‌ترین دوران‌ها را برای ملت‌ها رقم می‌زند.

استبداد مخصوص افغانستان نیست و بسیاری از کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای مسلمان، گرفتار نظام‌های استبدادی‌اند، اما افغانستان خطرناک‌ترین نوع استبداد را تجربه می‌کند که استبداد دینی است. استبداد دینی از این رو خطرناک‌تر از دیگر گونه‌های آن است که همه رفتارها و کردارهای خود را به دین پیوند می‌دهد و هر اقدام ستم‌گرانه‌اش را به نام خدا و پیامبر گره می‌زند. این روش، در جوامعی با اکثریت سنتی و متدین موثریت بیشتر دارد و به طول عمر ظلم و ستم می‌انجامد و خفقان و اختناق را نهادینه می‌کند.

نظام‌های سلطه‌مبتنی بر استبداد دینی تلاش می‌کنند که با معرفی خود به‌عنوان نماینده خدا در روی زمین، بنده‌گی مردم در برابر خدا را به برده‌گی آنان در برابر خود تبدیل کنند. از این طریق، برده‌گی و برده‌خوبی در ذهن و روان جامعه تزریق و ذلت و ستم‌پذیری با خون مردم عجین می‌شود. در چنین نظام‌هایی، مردم مجبورند حتا در مراسم دینی مانند خطبه‌های نماز جمعه و مانند آن نام دیکتاتور را در کنار نام خدا و پیامبر و در ردیف مقدسات ذکر کنند. خطبه خواندن به نام کسی، برکشیدن وی به مقام خدایی است؛ زیرا یک انسان عادی حق ندارد که نامش در سیاقی قدسی و عبادی ذکر شود و مفهوم قداست را در ذهن عبادت‌کننده‌گان تداعی کند.

در نظام‌های استبداد دینی، حاکم در جایگاه خدا می‌نشیند. در قرآن در اوصاف خداوند آمده است: «او در برابر هیچ یک از کارهایی که می‌کند بازخواست نمی‌شود، ولی مردم بازخواست می‌شوند.» نظام‌های استبداد دینی دقیقاً به همین‌گونه امیرالمومنین، ولی فقیه و رهبر اعلا‌ی خود را در چنین مقامی قرار می‌دهند تا هیچ کس حق و صلاحیت بازخواست از او را نداشته باشد، اما او درباره هر کسی صلاحیت بازخواست، حساب‌رسی و کیفردهی داشته باشد.

در چنین نظام‌هایی، رابطه میان رهبری و زیردستان رابطه عمودی از بالا به پایین و با صبغه پیر و مریدی است که با کرنش و تعظیم درونی همراه است. طبیعی است که در چنین نظامی، امکان اعتراض و انتقاد نیست و جایش را تعبد و اطاعت کورکورانه می‌گیرد. رفتار حاکمان در این‌گونه نظام‌ها، همه برای مصلحت شرع و برپایی دین قلم‌داد و فریب‌کاری ساختاری در سراسر کشور گسترده می‌شود. دین در چنین نظام‌هایی، تبدیل می‌شود به ابزار برده‌سازی فکری و روحی انسان‌ها در برابر حاکمان و ترسیخ ذلت و زبونی تا اعماق استخوان‌های محکومان. رهایی از چنگ استبداد دینی، دشوارتر از سایر گونه‌های استبداد است؛ زیرا مخالفت با آن در نظر عوام‌الناس مخالفت با دین و مقدسات جلوه می‌کند و حتا فریب‌خورده‌گان خود به ابزار سرکوب و گروه‌های فشار در برابر دگراندیشان و آزادی‌خواهان مبدل می‌شوند. نظام‌های استبدادی رعایای استبدادزده، حقیر و فرومایه پرورش می‌دهند تا مانند مواشی سرنوشت خود را به دست قصابان خود بسپارند و لب از لب نگشایند.

تحریک ملی اسلامی آزادی افغانستان مدعی کشتن چهار طالب در پکتیکا شد

۸ صبح، پکتیکا: تحریک ملی اسلامی آزادی افغانستان ادعا کرده که در حمله بر طالبان در ساختمان ولسوالی گومل ولایت پکتیکا، چهار جنگ‌جوی طالب را کشته است.

تحریک ملی اسلامی آزادی افغانستان روز یک‌شنبه، ۱۲ سنبله، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که حوالی ساعت ۱۰:۰۰ شب گذشته، نیروهای این جبهه بر ساختمان اداری ولسوالی گومل ولایت پکتیکا حمله کرده‌اند. طبق خبرنامه، در نتیجه این حمله چهار طالب کشته شده و سه طالب دیگر زخم برداشته‌اند. خبرنامه افزوده که در این حمله مسلحانه به نیروهای این تحریک آسیب نرسیده است و آنان دوباره به مکان امن رسیده‌اند.

از سویی هم، منابع محلی در این ولایت به روزنامه ۸ صبح تایید کرده‌اند که شب گذشته صدای شلیک سلاح‌های سبک‌وسنگین را از نزدیکی مرکز ولسوالی گومل شنیده‌اند.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که تحریک ملی اسلامی آزادی افغانستان پیش از این نیز مسوولیت چندین حمله مسلحانه بر طالبان را در ولایت‌های غزنی و میدان‌وردک به عهده گرفته است. در هفته‌های اخیر فعالیت‌های مسلحانه جبهه‌های ضد طالبان در اکثر ولایت‌های کشور افزایش یافته است.

در سه روز اخیر جبهه مقاومت ملی و جبهه آزادی افغانستان حملاتی را در ولایت‌های پروان، بغلان و لغمان بر مواضع طالبان انجام داده‌اند.



وزارت خارجه ایران: حدود نش هزار افغان در ایران زندانی هستند

۸ صبح، کابل: وزارت خارجه ایران از زندانی بودن دست‌کم شش هزار شهروند افغانستان در زندان‌های آن کشور خبر داده است.

خبرگزاری ایسنا ایران روز یک‌شنبه، ۱۲ سنبله، به نقل از علی‌رضا محمودی، مدیرکل قنصلی وزارت امور خارجه آن کشور گزارش داده است که شهروندان افغانستان بیشترین اتباع خارجی در زندان‌های ایران را تشکیل می‌دهد. هرچند در مورد انگیزه زندانی شدن شهروندان افغانستان در ایران چیزی گفته نشده است، اما گفته می‌شود که بیشتر آنان به‌دلیل نداشتن مدارک قانونی، قاچاق مواد مخدر و برخی اتهام‌های دیگر از سوی حکومت ایران زندانی شده‌اند.

پیش از این، وزارت خارجه طالبان اعلام کرده بود که مقام‌های ایرانی ۲۶۸ زندانی افغان را که در زندان‌های آن کشور به‌سر می‌بردند، به افغانستان انتقال داده‌اند.

به گفته این وزارت، این شمار زندانیان افغان پس از توافق میان مقام‌های طالبان و ایران در تهران، در مرز اسلام قلعه به این گروه تحویل داده شده‌اند.

بربنیاد آمار کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان، پیش از تسلط دوباره طالبان بر کشور، ۳.۴ میلیون مهاجر افغان در ایران زنده‌گی می‌کردند که از این میان نزدیک به دو میلیون مهاجر غیرقانونی بودند.

اما این سازمان گفته است که صدها هزار مهاجر افغان دیگر پس از اگست ۲۰۲۱ میلادی، به ایران رفته‌اند.

زنان معترض خطاب به جامعه جهانی: آپارتاید جنسیتی در افغانستان را به رسمیت بشناسید



۸ صبح، کابل: اعضای «جنبش زنان به سوی آزادی» در یک نشست اعتراضی خواستار به رسمیت شناسی آپارتاید جنسیتی در افغانستان از سوی جامعه جهانی شده‌اند.

شماری از اعضای جنبش زنان به سوی آزادی، روز یک‌شنبه، ۱۲ سنبله، با راندازی برنامه‌ای اعتراضی در یک مکان سر بسته در کابل همچنان از کشورهای جهان خواستند که جلو کشتارهای هدفمند زنان افغان از سوی طالبان را بگیرند.

زنان معترض همچنان با ابراز نگرانی از افزایش جنایات علیه شهروندان به‌ویژه زنان توسط طالبان می‌گویند که جهان نباید از رفتار این گروه در افغانستان حمایت کند.

عدم به رسمیت شناسی رژیم طالبان از

خواست‌های دیگر این زنان معترض است. این در حالی است که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی علیه زنان افغان وضع کرده است.

پیش از این نیز زنان معترض در داخل و بیرون از کشور از جامعه جهانی خواستند که در سیاست‌های‌شان در برابر طالبان تجدید نظر کند.

روزنامه جمهوری اسلامی: طالبان سه ولایت غربی افغانستان را به جیش العدل و شبکه‌ای ریگی سپردند

این‌ها گروه‌های سابقه‌دار در انجام عملیات تروریستی در داخل ایران هستند.»

روزنامه جمهوری اسلامی جزئیات بیشتر در این مورد ارایه نکرده است.

ایران پس از پاکستان و تاجیکستان سومین کشوری است که نگرانی خود در مورد فعالیت گروه‌های تروریستی در سرحداتش با افغانستان را ابراز می‌کند. طالبان تا کنون در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند. این در حالی است که پیش از این مقام‌های پاکستان نیز گفتند که طالبان به اعضای تحریک طالبان پاکستانی (TTP) در افغانستان پناه‌گاه‌های امن ایجاد کردند و این گروه با استفاده از خاک افغانستان حملات مرگباری را در این کشور انجام می‌دهند. طالبان در مورد نگرانی‌های کشورهای همسایه گفتند که هیچ تهدید از افغانستان متوجه آنان نیست.

۸ صبح، کابل: رسانه‌های ایرانی گزارش دادند که طالبان مسوولیت‌های امنیتی ولایت‌های هرات، فراه و نیمروز را به گروه جیش‌العدل و شبکه عبدالملک ریگی سپرده‌اند.

روزنامه جمهوری اسلامی یک‌شنبه‌شب، ۱۲ سنبله، به نقل از منابع خود گزارش داده است که این دو شبکه به‌عنوان یک گروه تروریستی تلقی می‌شوند که حملات گسترده‌ای را در خاک ایران انجام داده‌اند. محمدحسین جعفریان، فعال سیاسی در امور افغانستان، در کلاب هاوس فعالیت این دو گروه در مرزهای ایران با افغانستان را یک خطر جدی در برابر این کشور عنوان کرده است.

وی تصریح کرده است: «طالبان، دستگاه امنیتی خود در سه ولایت هم‌جوار افغانستان با ایران، یعنی هرات، فراه و نیمروز را به اعضای گروه تروریستی جیش‌العدل و شبکه عبدالملک ریگی سپرده‌اند.

حاکمیت فقر

شهروندان از تهیه یک وعده غذایی عاجزند



آقای حافظی می‌افزاید که بیکاری گسترده، افزایش روزافزون فقر، نبود برنامه‌های توسعه‌ای و افزایش مالیات در شرایط بحرانی، وضعیت اقتصادی را بحرانی کرده است. او تأکید می‌کند که در وضعیت بحرانی افزایش و حصول مالیات تأخیر شده، بار سنگین بالای سرمایه‌گذاران کوچک وارد می‌کند و آنان مجبور می‌شوند دست از فعالیت بکشند و یا فرار کنند.

این آگاه امور اقتصادی تصریح می‌کند که اقتصاد افغانستان در گذشته کاذب و متکی بر کمک‌های خارجی بود. به گفته او، با رفتن خارجی‌ها از کشور، اقتصاد متکی بر کمک‌ها نیز فروریخت و مردم در وضعیت بحرانی قرار گرفته‌اند. از نظر موصوف، اقتصاد کنونی افغانستان نیز متکی بر بسته‌های کمک‌های نقدی هفته‌وار سازمان ملل متحد است. او تأکید می‌ورزد که تنها استفاده از منابع داخلی با تکیه بر مالیه، عواید گمرکات و فروش معادن، آینده روشن ندارد و باید سرمایه‌های بزرگ جلب شود. آقای حافظی خاطر نشان می‌سازد که سرمایه‌گذاری در افغانستان وقتی مطابق با معیارهای بین‌المللی و سیستم اقتصاد جهانی به پیش می‌رود که در کشور نظام مشروع و قابل احترام به میان بیاید. به گفته او، گذار از وضعیت موجود، نیاز به یک رستاخیز اقتصادی دارد که خطوط فکری و اولویت‌های آن تعریف شده باشد.

این در حالی است که طالبان در دو سال گذشته هیچ برنامه‌ای برای اشتغال‌زایی و فقرزدایی ارائه نکرده‌اند که نتیجه ملموسی در قبال داشته باشد. این گروه همزمان با جمع‌آوری مالیات، از مردم به گونه اجباری عشر و زکات نیز گردآوری کرده‌اند. طالبان علاوه بر دستور منع کار زنان، شماری از نهادهای دولتی را نیز لغو کرده‌اند و بیشتر کارمندان بیکار شده‌اند. این نگرانی‌ها در حالی مطرح می‌شود که به‌تازگی برنامه توسعه‌ای ایالات متحده (USID) گفته است که ۲۹.۲ میلیون تن در افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نیازمند شده‌اند که در این میان ۱۵.۳ میلیون تن با ناامنی غذایی حاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند. براساس این گزارش، ۲۱.۳ میلیون تن در اولویت کمک‌های بشردوستانه قرار دارند.

تهیه کند، اما خودش نیز بیکار و در مانده است. شمایل می‌گوید که داستان‌های سرکوب و خانه‌نشینی زنان توسط طالبان را از زبان بزرگان خانواده‌اش شنیده بود، اما اکنون آن را تا مغز استخوان حس می‌کند. او می‌افزاید که روزگار خوبی داشته و در گذشته دست نیازمندان را گرفته، اما اکنون خودش نیاز به دست‌گیری دارد.

شمس‌الدین (مستعار) یکی از نظامیان پیشین که پس از دو سال به‌تازگی از ایران برگشته، از هراس طالبان و بیکاری به مشکلات روانی مبتلا شده است. او می‌گوید: «ترس از دست‌گیری و بیکاری، روزگار را خراب کرده است. وقتی به چهره دخترم می‌بینم، دردم دوچند می‌شود. او نیازهای زیادی دارد که باید برآورده شود، اما از فقر حتماً نمی‌توانم برایش دوا بخرم و این برایم کشنده است.»

در همین حال، آگاهان امور اقتصادی می‌گویند که با تبلیغات دروغین و کم‌رنگ نشان دادن مشکلات اقتصادی، افغانستان به عمق فاجعه فرو خواهد رفت. به گفته آنان، مردم از شدت فقر اعضای خانواده خود را می‌فروشند و اعضای بدن‌شان را به لیلالم می‌گذارند. این آگاهان اقتصادی تأکید می‌کنند که قدرت خرید مردم به نصف تقلیل پیدا کرده و واردات که قبل از این سالانه بیشتر از ۱۰ میلیارد دالر بود، اکنون به کمتر از پنج میلیارد رسیده است.

این آگاهان خاطر نشان می‌سازند که در حال حاضر افغانستان از سیستم مالی اقتصاد جهان بی‌بهره است و از سیستم بانکی سوئیت در مبادلات بانکی استفاده نمی‌تواند. به گفته آنان، استفاده از سیستم‌های سنتی چون صرافی و حواله، هزینه زیاد دارد و در مبادلات پولی جهان استفاده لازم را ندارد. از نظر آنان، مشکلات اقتصادی در وضعیت موجود ناشی از مشکلات سیاسی است. آنان تصریح می‌کنند که بانک‌های بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای، مرادوات بانکی با افغانستان ندارند و از دادن قرضه ابا می‌ورزند. آذرخش حافظی، یکی از آگاهان امور اقتصادی، می‌گوید که وضعیت اقتصادی افغانستان بحرانی است و اگر مدیریت نشود، فاجعه خلق خواهد شد.

سرمایه‌گذاری دولتی، باعث تداوم بیکاری و افزایش فقر شده است.

یک باشنده بلخ که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که تداوم بیکاری باعث شده که او دست به فروش اموال خانه‌اش بزند. او می‌گوید: «نه سر عیال دارم. یک دانه دکانک قصابی دارم. قبلاً خانمم آرایشگاه داشت، تقریباً ۸۰ درصد عاید زنده‌گی ما از آن طریق تأمین می‌شد. حال روز نمی‌چلد. اجناس را فروختیم، حدود یک لک پس ماند شده‌ایم. می‌رویم ایران، بلکه همان جا پرده ما شود. این‌جا نمی‌شود، کار نیست.»

از سوی دیگر، زنان و نظامیان پیشین نیز می‌گویند که در بدترین وضعیت اقتصادی قرار دارند. شماری از آنان تأیید می‌کنند که نه غذای کافی برای خوردن دارند و نه زمینه کار برای‌شان مساعد است و از همین رو مجبورند دست به خودکشی بزنند. شمایل (مستعار) باشنده ولایت جوزجان، یکی از زنانی است که به دستور طالبان خانه‌نشین شده است. او قبل از تسلط این گروه، کارمند رسانه‌ای بوده و در دفترهای خارجی نیز کار کرده است. وی با نگاهی حسرت‌بار به گذشته، خاطر نشان می‌سازد که بیکاری و فشار زنده‌گی، او را به مرحله خودکشی رسانده است. شمایل می‌گوید: «بیکارم. شرایط بسیار دشوار است. گاهی که بالایم فشار می‌آید، گریه می‌کنم. زنده‌گی خیلی سخت تمام می‌شود. به مرحله‌ای می‌رسم که می‌گویم خودم را از بین ببرم.»

او از جمله هزاران زنی است که پس از دستورهایی منع‌کننده طالبان، از کار برکنار شده است. شمایل تأکید می‌کند که شوهرش به دلیل نگرانی امنیتی او، سگته مغزی کرده و توانایی کار کردن را ندارد. وی می‌افزاید که در حال حاضر به شمول خانواده خسرش، مکلف است که برای ۱۲ تن از اعضای خانواده‌اش نان

بیکاری دوام‌دار و فقر روزافزون سبب شده است که بیشتر شهروندان مجبور به فروش خانه و ملکیت‌های‌شان شوند. اکنون کارگران زیادی هستند که روزها نمی‌توانند حتی یک نان خشک برای کودکان‌شان تهیه کنند و به همین علت شب‌ها با اعضای خانواده‌های‌شان گرسنه می‌خوابند. محرومیت زنان از کار، بیکاری نظامیان پیشین و سبک‌دوشی شماری از کارمندان توسط طالبان، بر صف طویل گرسنه‌گان در کشور افزوده است. شماری از باشنده‌گان در ولایت‌های مختلف می‌گویند که در کره زمین «بدبخت‌تر» از آنان کسی را نمی‌توان پیدا کرد که از تهیه یک لقمه نان در زنده‌گی عاجز مانده باشد. این شهروندان می‌افزایند که خشک‌سالی، بیکاری و هراس از طالبان، زنده‌گی را برای‌شان به جهنم میدل کرده است و از جبر روزگار دست به «لیلام» اموال خانه‌های‌شان زده‌اند. طالبان اما در جریان دو سال گذشته برنامه‌ای برای فقرزدایی و اشتغال‌زایی ارائه نکرده‌اند. آگاهان امور اقتصادی معتقدند که با تبلیغات دروغین و کم‌رنگ نشان دادن مشکلات اقتصادی، کشور به عمق فاجعه فرو خواهد رفت. پیشتر برنامه توسعه‌ای ایالات متحده (USID) در گزارشی گفته است که از ۲۹.۲ میلیون نیازمند کمک‌های بشردوستانه در افغانستان، ۱۵.۳ میلیون تن با ناامنی غذایی حاد روبه‌رویند.

پس از سقوط افغانستان به دست طالبان، بیشتر برنامه‌های توسعه‌ای متوقف شده و شماری از سرمایه‌گذاران بزرگ و کوچک به دلیل هراس و بازجویی طالبان، کشور را ترک کرده‌اند. همچنان با خروج نیروهای خارجی و پیمان‌کاران داخلی آنان، هزاران تن بیکار شده‌اند و فرصت‌های شغلی زیادی از بین رفته است. اکنون خروج گروهی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، لغو نهادهای دولتی و ناتوانی در



ادامه باج‌گیری طالبان؛ پول و سلاح بدهید

۸ صبح، پروان

کردن «عکسی با لباس نظامی» در کمپیوترش او را بازداشت و در هرات زندانی کرده بودند. منابع می‌افزایند که تعداد بازداشت‌ها چند برابر از آماری است که در رسانه‌ها نشر می‌شود. در همین حال، شماری از باشنده‌گان ولایت‌های شمال کابل دلیل بازداشت غیرنظامیان و نظامیان حکومت پیشین از سوی طالبان را «باج‌گیری» این گروه عنوان می‌کنند. به گفته منابع، طالبان بیشتر این افراد را به خاطر گرفتن «پول و اسلحه» بازداشت می‌کنند، اما پس از «باج‌گیری» دوباره آزاد می‌سازند.

باشنده‌گان پنجشیر را در این ولایت و شهر کابل بازداشت کرده‌اند. در میان افراد بازداشتی، نظامیان حکومت پیشین نیز شامل‌اند. از این میان، یک تن از باشنده‌گان پنجشیر که می‌خواست به ایران برود، در مرز اسلام‌قلعه از سوی طالبان بازداشت شد و پس از ۲۲ روز زندانی در هرات، زیر شکنجه این گروه جان باخت. او فیاض‌الحق نام داشت و روز سه‌شنبه، ۳۱ اسد، در زندان هرات از سوی طالبان «خفه» شد و جان باخت. به گفته منابع، هرچند فیاض‌الحق گذشته نظامی‌گری نداشت، اما طالبان به خاطر پیدا

یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که طالبان در جریان یک ماه گذشته دست‌کم ۴۵ تن را در تخار، ۲۶ تن را در بدخشان و بیش از ۳۰ تن را در بغلان بازداشت کرده‌اند. بیشتر افراد بازداشت‌شده در بدخشان باشنده‌گان ولسوالی‌های شیوه و شهدای این ولایت هستند. در تخار نیز بیشتر افراد از مربوطات شهر تالقان، مرکز این ولایت، بازداشت شده‌اند. در ولایت بغلان بیشتر افراد از ولسوالی خوست بازداشت شده‌اند.

در همین حال، منابع در ولایت‌های پنجشیر، کاپیسا و پروان نیز می‌گویند که طالبان در یک ماه اخیر ده‌ها تن از باشنده‌گان این ولایت‌ها را بازداشت کرده‌اند، اما رقم دقیق آن‌ها تا کنون معلوم نیست. بربنیاد آمارهایی که در رسانه‌ها نشر شده است، طالبان تنها در یک هفته اخیر دست‌کم ۱۰ تن از

منابع محلی در کابل و ولایت‌های شمال پایتخت می‌گویند که طالبان روند بازداشت نظامیان حکومت پیشین و غیرنظامیان را در بخش‌های مختلف کشور افزایش داده‌اند. به گفته منابع، طالبان تنها در یک هفته اخیر ده‌ها تن از باشنده‌گان پنجشیر، پروان، بغلان و تخار را بازداشت کرده‌اند. منابع می‌افزایند که طالبان این افراد را به «بهبانه‌های مختلف» بازداشت می‌کنند و در برابر پرداخت پول دوباره آزاد می‌سازند. به گفته منابع، طالبان افراد بازداشت‌شده را در زندانی‌های‌شان تحت شکنجه شدید قرار می‌دهند تا آنان ناگزیر به پرداخت پول شوند. منابع محلی، این گروه را به باج‌گیری متهم کرده و خواستار توقف روند این‌گونه بازداشت‌هایند.

جایگاه بریکس در آستانه گذار به نظم جهانی چندقطبی

کچ زین‌الله سروری

در آغاز قرن بیست‌ویکم جهان شاهد ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی در صحنه بین‌الملل بود. در هیاهوی این شرایط، جایگاه و نقش قدرت‌های جدید اقتصادی در عرصه جهانی ورد زبان‌ها در محافل آکادمیک و سیاسی شد. جیم اونیل، اقتصاددان برجسته بریتانیایی‌تبار، که بعدها وزیر دارایی بریتانیا شد، در موسسه گلدمن‌ساکس ایده تاثیرگذاری و نقش قدرت‌های اقتصادی نوظهور را مورد کنکاش قرار داده و ابداع‌کننده نام بریک شد که برگرفته از حرف اول نام قدرت‌های نوظهور اقتصادی می‌باشد که شامل برزیل، روسیه، هند و چین می‌شود. بعدها افریقای جنوبی نیز به این اردوگاه پیوست و نام آن به بریکس تعویض شد. نام بریک با گذشت چند سال در محافل علمی و سیاسی مدام زرمه شد و پنداشت‌ها و تحلیل‌های زیادی روی آن انجام یافت. همین زرمه‌ها سرانجام توجه قدرت‌های نوظهور را جلب کرد، تا این که در سال ۲۰۰۶ میلادی برای اولین بار وزیران خارجه این کشورها روی ایجاد این نهاد به بحث و تبادل نظر پرداختند.

شانزدهم جون ۲۰۰۹ بود که چهار قدرت نوظهور جهانی در یکاترینبورگ روسیه رسماً نهاد بریک را ایجاد کردند و در سال ۲۰۱۱ با پیوستن افریقای جنوبی به این اردوگاه، نام آن به بریکس تغییر یافت. بریکس به‌زودی توانست نهادهای قدرتمند درون سازمانی خود را احیا کند که این امر ناظران بیرونی را به ستایش و گاهی نگرانی واداشت. با سپری شدن چندین سال، بریکس به یک سازمان مهم و شناخته‌شده در سطح بین‌المللی تبدیل گردید و سوءبرداشت‌های زیادی را در اذهان جهانیان دیکته کرد. عده‌ای بریکس را جدی‌ترین رقیب غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا می‌دانند، اما مخالفان این ایده آن را توهمی بیش‌نداشته و روی ناهمسویی ارزشی و ناهمگرایی سیاسی میان اعضای آن پای می‌نهند و آن را جدی نمی‌پندارند. در این نیشته جایگاه سازمان بریکس در نظام بین‌المللی چندقطبی که در شرف شکل‌گیری است، مورد کنکاش و تحلیل قرار می‌گیرد.

رابطه بریکس با غرب؛ تعامل یا تقابل؟

جهانی شدن اقتصاد و تجارت یکی از خصوصیات قرن بیست‌ویکم است. امروزه تجارت میان کشورها چنان درهم تنیده و عجین شده است که هر نوع التهاب اقتصادی در یک گوشه جهان به سرماخوردگی مالی در کنج دیگر جهان می‌انجامد. اصولاً هیچ کشوری نمی‌تواند بدون تعامل عمیق تجاری و اقتصادی با کشورهای دیگر به حیات سیاسی و رشد اقتصادی ادامه دهد. رشد اقتصادی چین زمانی شتاب گرفت که به بازار آزاد جهانی پیوست و مولفه‌های بازار آزاد را پذیرفت. در حال حاضر، غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا بزرگ‌ترین شریک تجاری و اقتصادی بریکس به‌شمار می‌رود و هر گونه تقابل و گسست با غرب به اصطکاک و چه بسا انسداد رابطه تجاری با غرب خواهد انجامید که بدون تردید بریکس بازنده اصلی آن خواهد بود. ایالات متحده و اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین طرف تجاری کشورهای عضو بریکس محسوب می‌شوند که این امر، ضرورت تداوم رابطه و تعامل با غرب را به این نهاد دیکته می‌کند. غرب بازار بزرگ مالی، صنایع سنگین و پیشرفته و در نهایت تکنالوژی توسعه‌یافته را در اختیار دارد که نمی‌شود از آن به‌راحتی بدون تامل چشم‌پوشی کرد. این درست است که چین و هند و سایر اعضای بریکس در جمع اقتصادهای برتر جهان قرار دارند؛ اما این غرب است که اجناس تولیدشده این کشورها را خریداری کرده و به مصرف می‌رساند و تکنالوژی پیشرفته هنوز هم در حیطه کنترل غرب قرار دارد.

جنگ تجاری ایالات متحده و چین که در سال ۲۰۱۸ شروع شد، پیش از آن که به اقتصاد ایالات متحده آسیب جدی وارد کند ضربات کوبنده و مهلک به اقتصاد چین وارد کرد و به تعقیب آن، هرچند که

**برزیل و هند از متحدان
استراتژیک ایالات متحده و
غرب به‌شمار می‌روند و رابطه
عمیق تجاری، سیاسی و حتا
امنیتی با غرب دارند. پیوستن
این کشورها به بریکس
تاکتیکی است و اگر قرار باشد
میان غرب و بریکس یکی را
انتخاب کنند، بی‌تردید انتخاب
آن‌ان غرب خواهد بود. ناهمگونی
اهداف در میان اعضای بریکس
این نهاد را سردرگم کرده و
به نظر نمی‌آید در کوتاه‌مدت
بریکس بتواند به‌گونه منسجم
به رقیب جدی غرب بدل شود.**

نتوانست آهنگ رشد اقتصادی چین را متوقف کند، ولی تا حد زیادی روند آن را کند کرد. همه کشورهای عضو بریکس به این مهم واقفند که تعامل با غرب تامین‌کننده منافع اقتصادی آن‌ها به‌شمار می‌رود و هر گونه تقابل می‌تواند پیامدهای جدی و دردناکی داشته باشد. از جانب دیگر، برزیل و هند از متحدان استراتژیک ایالات متحده و غرب به‌شمار می‌روند و رابطه عمیق تجاری، سیاسی و حتا امنیتی با غرب دارند. پیوستن این کشورها به بریکس تاکتیکی است و اگر قرار باشد میان غرب و بریکس یکی را انتخاب کنند، بی‌تردید انتخاب آن‌ان غرب خواهد بود. ناهمگونی اهداف در میان اعضای بریکس این نهاد را سردرگم کرده و به نظر نمی‌آید در کوتاه‌مدت بریکس بتواند به‌گونه منسجم به رقیب جدی غرب بدل شود.

بریکس؛ سازمان همگرا یا واگرا؟

بریکس نهادی است که از کشورهایی با اهداف نامتجانس تشکیل یافته است. گاه‌گاهی این اهداف و اولویت‌های پارادوکس‌گونه اعضای بریکس به بُن‌مایه اختلاف میان اعضای آن تبدیل می‌شود. اعضای بریکس هنوز نتوانسته‌اند به اهداف مشترک استراتژیک دست یابند و هرازگاهی این اختلافات از درون آن نمود می‌یابد. به‌گونه مثال، چین و روسیه خواهان کنارزدن دالر و کاهش نقش ایالات متحده در اقتصاد جهان هستند؛ اما برزیل و هند چنین ایده‌ای را نمی‌پذیرند. یک نمونه بارز دیگر واگرایی در اولویت‌های کشورهای عضو بریکس، عدم توافق روی اتخاذ موضع مشترک در قضایای بین‌المللی است. در جنگ سوریه، بریکس نتوانست موضع واحد اتخاذ کند. روسیه و چین طرفدار رژیم بشارالاسد بودند، در حالی که هند و برزیل به نقض حقوق بشر از سوی دولت سوریه واکنش منفی نشان دادند. در حال حاضر، روسیه یکی از اعضای اصلی بریکس، در جنگ اوکراین گیر کرده است، اما اعضای بریکس نتوانسته و یا نخواسته‌اند هیچ نقشی در آن داشته باشند. اگر فرض را بر آن نهیم که بریکس صرفاً یک نهاد اقتصادی و تجاری است، در این عرصه نیز به موفقیت‌های چشم‌گیری دست نیافته که تبلورکننده نقش بارز این نهاد باشد. پیمان تجاری بریکس که قرار بود تسهیلات تجاری را برای اعضای آن فراهم کند و حجم مبادلات تجاری را تقویت بخشد، از سوی چین و افریقای جنوبی هنوز به دلیل این که آن را به ضرر سکتور صنعتی خود می‌پندارند، امضا نشده است. چین و هند دو عضو مهم بریکس میان خودشان مسایل مهم حل‌ناشده دارند که یکی از این مسایل مهم، تنش‌های مرزی میان دو کشور است. از طرفی، هند یکی از متحدان اصلی ایالات متحده به‌شمار می‌رود و با این کشور پیمان امنیتی امضا کرده است. از جانب دیگر، برزیل رابطه عمیق تجاری توأم با دوستی با غرب و ایالات متحده دارد. این در حالی است که روسیه

رابطه پرتنشی با کشورهای غربی داشته و روسیه و چین رقبای اصلی غرب در صحنه بین‌المللی به‌شمار می‌روند. بریکس به‌جز در چند مورد معدود، نتوانسته است به اهداف مشترک و استراتژیک خود دست یابد و هنوز سایه منافع انفرادی اعضا بر منافع جمعی آن سنگینی می‌کند.

گم‌گشته‌گی ایدئولوژیک و استراتژیک

ایدئولوژی و راهبرد مشترک می‌تواند دوام و قوام ایتلاف‌ها و نهادها را تضمین کند و به یک‌پارچه‌گی میان اعضا بینجامد. در نبود استراتژی و ایدئولوژی مشترک شاید کشورها و افراد در برهه‌ای از زمان گرد هم آیند، اما هر گونه اتحاد آن‌ها موسمی، شکننده و تاکتیکی است و تحولات آتی می‌تواند جوهره آن را منحول کند.

بریکس برخلاف گروه جی‌۷ که دارای ارزش‌ها و اهداف استراتژیک مشترک هستند، فاقد چنین خصوصیت می‌باشد. بسترهای همکاری میان کشورهای گروه جی‌۷ از قبل پی‌ریزی شده بود. ارزش‌های مشترک جی‌۷، لیبرال دموکراسی، مولفه‌های حقوق بشری، تکثرگرایی، اقتصاد بازارمحور و ... است؛ اما بریکس در فقدان چنین یک ارزش و ایدئولوژی مشترک به‌سر می‌برد. به لحاظ سیاسی، برعکس گروه جی‌۷ که تمام اعضای آن دارای لیبرال دموکراسی هستند، میان اعضای بریکس نوعی ناسازگاری سیاسی از منظر نهادی وجود دارد؛ چین دارای نظم تک‌حزبی است، در حالی که هند بزرگ‌ترین دموکراسی جهان است و نهادهای مقتدر دموکراتیک دارد. ایدئولوژی مشترک فراهم‌کننده زمینه‌های مشترک همکاری جهت تحقق اهداف است که در غیاب آن رسیدن به اهداف اگر ناممکن نباشد، دست‌کم مشکل است. بریکس پیش از آن که نگاه استراتژیک به قضایای مهم جهانی داشته باشد، نگاه اعضای آن بیشتر به شکل تاکتیکی نمود پیدا می‌کند و هر عضو آن در پی دستیابی به اهداف مورد نظر خودشان است. در غیاب ایدئولوژی است که بریکس نمی‌تواند تصامیم قاطع و موضع واحد و یک دست بگیرد. بریکس در مقایسه با جی‌۷ که دارای یک ایدئولوژی واحد و نگاه استراتژیک می‌باشد، در قضایای بین‌المللی چندان موثر عمل نکرده و از طرفی هنوز نتوانسته از تشتت آرا و پراکنده‌گی اهداف آن بکاهد. عدم همگونی ارزشی و همگرایی سیاسی بزرگ‌ترین چالش سد راه این ایتلاف تجاری به‌شمار می‌رود. ناهمگونی و عدم تجانس ارزشی و هنجاری اعضای آن باعث شده تا نتوانند در عرصه بین‌المللی آن‌گونه که سزاوار است، نقش بازی کنند.

اهداف بریکس؛ آرمانی یا عمل‌گرایانه؟

قدرت‌های نوظهور اقتصادی که از نظم نوین به رهبری ایالات متحده سرخورده شده بودند ابتدا جهت اصلاح نظام اقتصادی و تجاری بین‌المللی همکاری کردند. اما با گذشت یک‌ونیم دهه از تاسیس بریکس، هنوز اعضای آن موفق به آوردن اصلاحات لازم در نهادهایی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نشده‌اند. ایالات متحده هنوز هم به‌مثابه هژمون بلامناز در سطح بین‌الملل مطرح است و بریکس هیچ جاگزین و آلترناتیفی جهت به چالش کشیدن نهادهایی که تحت نفوذ عمیق غرب قرار دارند، معرفی نکرده است. تنها اقدام بریکس تاسیس یک

بانک به‌نام بانک توسعه جدید در سال ۲۰۱۴ است. چین می‌خواهد از بریکس همچون سکویی جهت نفوذ بیش‌تر بر جهان بهره ببرد؛ چیزی که هند و حتا روسیه موافق آن نیست. برخی از اعضای بریکس همچون هند، برزیل و افریقای جنوبی خواهان اصلاح شورای امنیت و به تعقیب آن عضویت در این شورا هستند. حتا در همین زمینه نیز اجماع نظر وجود ندارد. به‌گونه مثال، چین نمی‌خواهد هند عضویت دائمی شورای امنیت را کسب کند. در قضایای مهم بین‌المللی بریکس نتوانسته به‌طور واحد و منسجم واکنش نشان دهد که این خود شکاف میان اعضای آن را برجسته می‌سازد و صرفاً توهم خودمقتدریابی کشورهای بریکس را واداشته تا به این اتحاد تن دهند. هرچند بریکس در زمینه تجارت و اقتصاد گام‌هایی را برداشته، اما در بخش‌های سیاسی، امنیتی و نظامی هنوز کدام اقدام عملی و ملموس انجام نشده است.

بریکس و معادله جابه‌جایی قدرت

ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی در جهان باعث شد تا عده‌ای از کشورها به فکر تاثیرگذاری بیش‌تر در سطح بین‌المللی بيفتند. بعد از سال ۲۰۱۷ با توسعه اقتصادی چین و هند و تعداد دیگر کشورها، هژمون برتر ایالات متحده اندکی به حاشیه کشیده شد و در ادبیات سیاسی و اقتصادی جهان اصطلاح چندقطبی شدن مطرح شده و طرفداران بیش‌تر یافت. ظهور قدرت‌های جدید سبب گردید تا از تسلط اقتصادی غرب با محوریت آمریکا بر جهان کاسته شود و هسته‌های جدید قدرت‌های منطقه‌ای شکل گیرد و علاوه بر غرب، مناطق جنوب و جنوب‌شرق آسیا و آمریکای لاتین به کانون جدید اقتصادی مبدل گردد. توسعه اقتصادی شیرازه قدرت به‌شمار می‌رود و سبب می‌شود تا قدرت نظامی و سیاسی نیز رشد و تحول یابد. برخلاف دهه نود قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم که ایالات متحده یک ابرقدرت چیره‌دست و مسلط جهان به‌شمار می‌رفت، در حال حاضر قلمب‌های جدید قدرت در اطراف و اکناف جهان در حال ظهور است که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

فرجام

در آستانه گذار جهان به نظم چندقطبی، نهادهایی همچون بریکس می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای بازی کنند. بریکس به‌رغم چالش‌هایی که در پیش دارد، می‌تواند با استفاده از تجارب اتحادیه اروپا و گروه جی‌۷ به خودسازمان‌دهی مجدد بپردازد و مشکلات فراراه خود را با خردمندی و دوراندیشی حل کند. در وهله اول، همگرایی هرچه بیش‌تر اقتصادی به‌مرور زمان به همگرایی در ابعاد سیاسی و نظامی منتج خواهد شد. اما فایق آمدن بر چالش‌هایی که این نهاد با آن‌ها روبه‌رو می‌باشد، کاری بسا دشواری است که به‌ساده‌گی محقق نخواهد شد.

افزایش اعضای بریکس به تشتت بیش‌تر در این سازمان خواهد انجامید. عدم تجانس ساختار سیاسی اعضای بریکس، نبود یک ایدئولوژی مشترک، نبود اهداف معین راهبردی و رقابت درون‌نهادی اعضای بریکس از جدی‌ترین چالش‌هایی است که در صورت عدم بهره‌گیری از فراست و کباست، می‌تواند به فروپاشی این نهاد بینجامد. اما این که آیا اعضای بریکس می‌توانند منطق زمان را درک کرده و از آن بهره‌جویند، گذشت زمان به آن پاسخ خواهد داد.

پول و سلاح...

احمد (نام مستعار) یکی از باشندگان ولایت پنجشیر است. او که دو تن از بسته‌گانش به‌تازگی از سوی طالبان بازداشت شده‌اند، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «به سلسله بازداشت‌ها و آزاروآذیت پنجشیری‌ها در شهر کابل، اخیراً حوزه یازدهم امنیتی شهر کابل جوانان پنجشیری که از فامیل‌شان در حکومت قبلی کسی نظامی بوده، گرفتار کرده و مورد بازجویی قرار می‌دهند. او اضافه کرد: «جوانان را تحت شکنجه قرار داده و با اجبار از آن‌ها در مابیل اعتراف می‌گیرند که سلاح بدهند. همچنان نام حداقل دو نفر دیگر پنجشیری که نظامی بوده‌اند، یا پولدار هستند و یا با جبهه مقاومت همکاری دارند را به آن‌ها بدهند. سپس به فامیل آن‌ها تماس می‌گیرند تا به حوزه حاضر شوند. آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند که یا اسلحه و یا هم قیمت آن را تادیه کنند. به این ترتیب، با اخذ پول، شخص را از بندرها می‌کنند.»

احمد افزود: «این شیوه اخاذی از پنجشیری‌ها در حوزه یازدهم امنیتی شهر کابل جریان دارد و در یک ماه اخیر دو جوان از اقارب نزدیک بنده را بازداشت کرده‌اند. در حالی که در فامیل بازداشتی اولی کسی نظامی نبوده و صرفاً پولدار هستند که مبلغ ۳۰۰ هزار افغانی از پدر بازداشتی اخذ کرده‌اند. در مورد دوم در حالی که اسناد تسلیمی سلاح به حوزه ارایه شد، با آن هم مبلغ ۲۵۰ هزار افغانی به زور اخاذی کردند.»

به گفته منابع، روند بازداشت و باج‌گیری طالبان از باشندگان ولایت‌های شمال کابل به‌ویژه پنجشیر همه‌روزه جریان دارد. در یک نشست مردمی که در ۷ سنبله سال جاری در ولسوالی دره ولایت پنجشیر برگزار شد، حتی شماری از مقام‌های بومی طالبان در این ولایت نیز از بازداشت‌های خودسرانه طالبان در این ولایت انتقاد کردند.

مولوی قیام‌الدین حنیف، رییس شورای علمای پنجشیر، در این نشست که با حضور شماری از مقام‌های ارشد طالبان، از جمله والی، فرمانده امنیه و رییس استخبارات این گروه برگزار شده بود، رفتار جنگ‌جویان طالبان با باشندگان این ولایت را «غیراسلامی و ظالمانه» خواند.

همچنان یکی از باشندگان ولسوالی دره در آن نشست به‌صورت «علنی» گفت: «من دو بار بی‌هیچ جرمی از طرف طالبان بازداشت شده‌ام و در مقابل پرداخت پول دوباره آزاد شده‌ام. در آخرین مورد گاو شیری خود را فروختم و پولش را به طالبان دادم تا از زندان آزادم کردند. دیگر نه پول دارم و نه گاو شیری که بفروشم.»

شماری از باشندگان ولایت‌های بغلان، بدخشان و تخار نیز می‌گویند که طالبان از ۲۰ تا ۳۰۰ هزار افغانی در بدل رهایی زندانیان از آنان رشوه درخواست می‌کنند. یک منبع در ولایت بغلان به روزنامه ۸ صبح گفت: «در هفته گذشته یکی از اقارب ما را بازداشت کردند و در بدل رهایی‌اش ۱۲۰۰ دالر گرفتند. طالبان نظر به وضعیت اقتصادی هر فرد، مقایسه می‌کنند.»

گفتنی است که طالبان در جریان دو سال گذشته به‌صورت دوام‌دار دست به بازداشت‌های خودسرانه، سرکوب خشونت‌آمیز فعالیت‌های اعتراضی و قتل‌های هدفمند و فراقانونی زده و زندانیان را به‌صورت مرگ‌بار شکنجه کرده‌اند.

در تازه‌ترین مورد، هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) با نشر گزارشی، از ثبت صدها مورد نقض حقوق بشری مقام‌ها و نظامیان حکومت پیشین توسط طالبان خبر داده و همزمان گفته است که فضای معافیت از مجازات برای مرتکبان حاکم است. یوناما در ۳۱ اسد با نشر گزارشی گفته است که از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تا ۳۰ جون سال جاری میلادی، دست‌کم ۸۰۰ مورد قتل فراقضایی، بازداشت خودسرانه، شکنجه و ناپدید شدن اجباری مقام‌ها و نظامیان حکومت پیشین را مستند کرده است.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، یافته‌های گزارش هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در مورد کشتار و شکنجه مقام‌ها و نظامیان پیشین توسط نیروهای این گروه را رد کرد، اما مواردی از «انتقام‌جویی شخصی» از نظامیان پیشین را تأیید نمود.

پیش از آن، سازمان حقوق بشری «رواداری» با نشر گزارشی، گفته بود که طالبان در شش ماه نخست سال جاری میلادی به‌صورت گسترده و هدفمند حقوق بشری شهروندان افغانستان را نقض کرده‌اند. به گفته این سازمان، در شش ماه نخست سال جاری میلادی، ۳۵۵ تن در کشور توسط طالبان کشته و ۱۶۱ تن زخمی شده‌اند. کشته‌گان شامل ۲۶۹ مرد، ۳۴ کودک، ۳۲ زن و ۲۰ تن با هویت نامعلوم، گزارش شده‌اند. به گفته رواداری، کارمندان و نظامیان حکومت پیشین، بزرگان قومی، مخالفان طالبان و غیرنظامیان، قربانیان اصلی این رویدادها بوده‌اند.

«نام زنان افغانستان با مبارزه گره خورده است»



حکایت مهر از روزهای سیاه است. زمانی که کابل را تسلیم تروریستان زن‌ستیز کردند، مهر سیاه‌پوش شد، رنگ زنده‌گی را از تن به‌در کرد و ماسک ناامیدی به‌صورت بست: «با ماسک حس می‌کنم از درون خفه می‌شوم.» او از دانشکده اقتصاد در بخش بانکداری فارغ شده است...

کج فرورزان اعظمی

دانشگاه و کار کردند. بی‌جا نیست که بگوییم «نام زنان افغانستان با مبارزه گره خورده است.»

از مهر در مورد کابل این روزها می‌پرسم، او می‌گوید: کابل سیاه‌پوش شده است. طالبان رنگ سیاه را بر کابل و زنان تحمیل کرده‌اند، «حجاب سیاه/ماسک سیاه، چادر سیاه. از رنگ سیاه که هر لحظه سیاه‌روزی ما را به رخ می‌کشاند، نفرت دارم. از زنان و مردان زیبا و با نشاط کابل اثری نیست. حتی از برادرم می‌ترسم، او هم مجبور است مانند طالبان لباس بپوشد. با اختناق حاکم بر جامعه به لحاظ پوشش حتی نمی‌شود میان مردم عادی و طالبان فرق قایل شد. ریش و پیراهن تنبان، کلاه و موهای دراز نشانه‌های وحشت طالبانی هستند که روزمره مجبور به تحمل آن هستیم.»

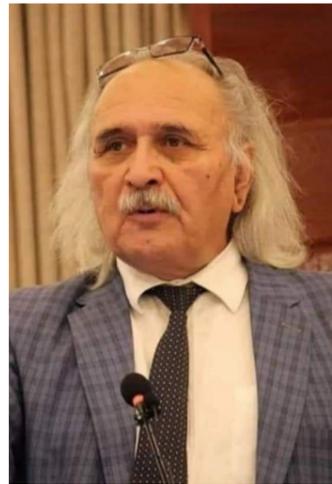
طالبان از آغاز تسلط خود تا کنون دم‌به‌دم ممنوعیت و محدودیت وضع کرده‌اند. ۱۵ اگست روز سیاه در تقویم شمار زیادی از شهروندان افغانستان به‌ویژه زنان است. هر فرد افغانستانی از این روز روایت ویژه خویش را دارد، مهر با غم گرانی که به سینه دارد، می‌گوید: «صبح وقت برخاستم و آماده شدم که به مکتب بروم، شب قبل‌اش آوازه بود که طالبان به سرکوتل خیرخانه رسیده‌اند. به حمله زنگ زدم که کجاست. راننده گفت که شاید کسی به مکتب نرود؛ می‌گویند که طالبان وارد کابل شده‌اند. گفتم هرگز امکان ندارد طالبان کابل را تصرف کنند. اگر حکومت و نظامیان ایستاده نشوند، مردم کابل خود در برابر طالبان می‌ایستند و اجازه نمی‌دهند که آن وحشت و سیاهی بیست سال قبل دوباره بر کرده‌های‌شان حاکم شود.» وحشت حاکم بر آن روز از آه‌های خان‌ومان‌سوزش شنیده می‌شد، از این‌که چگونه همه امیدها و آرزوها در یک روز به خاک سیاه نشست، روایتی که شروعش قند امید و پایانش محرومیت و یاس است: «وقتی داخل صنف شدم همه دانش‌آموزان عجیب، خیره و عمیق نگاه می‌کردند. گویا همه می‌دانستیم امروز آخرین روز حضور من است. ساعت درسی به نصف نرسیده بود که مدیر با وحشت به صنف آمد و گفت که صنف را رخصت کنم. به اداره که آمدم همه استادان گریه داشتند. من بازم باورم نمی‌شد و یا این‌که نمی‌خواستم باور کنم. ایمان داشتم که کشور دوباره به سیاهی برنمی‌گردد. آری! برخلاف تمام امید و ایمان و انتظارمان، طالبان وارد کابل شدند. صفحه امید، زنده‌گی، آزادی، شگوفایی و خوشحالی بسته شد. نقطه سرخس؛ سیاهی، وحشت، تاریکی، ناامیدی و اسارت نخستین سطرهای صفحه‌ی جدید ما شد.»

مهر از شکست می‌گوید، از این‌که چگونه با آمدن طالبان پرپر شد، همانند یک آرزوی برآورده نشده، تمام شد. او مژبه سرزمینی را می‌خواند که خوشی، آزادی و امید تازه در آن شگوفا شده بود و چه‌زود در یک شب سیاه پردرد از دست

رفت: «یک هفته تمام گریه می‌کردم. گوش‌هایم را محکم می‌گرفتم که صدای هواپیماهای نظامی را نشنوم. این به همان شعر ماند است: من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود.» از مهر پرسیدم که در زمان تخلیه نظامی آیا می‌خواست از افغانستان بیرون شود؟ پاسخ می‌دهد: «آرزو داشتم از افغانستان بیرون شوم. این کشور دیگر از ما نیست. شاید جسماً در کشور خود زنده‌گی می‌کنیم، اما روح ما سرگردان است. روح ما به‌دنبال آزادی و زنده‌گی انسانی آواره است. این که روح و جسم ما چه وقت و کجا یکجا می‌شود، نمی‌دانم. زنده‌گی کردن در کشوری که زن بودن در آن جرم باشد، یعنی گذراندن عمر در برده‌گی و غلامی.»

مهر در حرف‌هایش از پهلوی تازه زنده‌گی دختران جوان یاد کرد: ازدواج. راهی که دختران زیادی خواسته و ناخواسته به امید رهایی و آزادی از «جهنم تحت حاکمیت طالبان» به آن تن می‌دهند. آرزو و آرزمانی که معلوم نیست به چنگ آورده خواهد شد یا نه؟ «این روزها از اقارب و دوستان می‌شنوم که فلان دختر عروسی کرد. قبلاً که به عروسی‌ها می‌رفتم دو پرنده و زوج خوشبخت را می‌دیدیم. اما حالا بیش‌تر تنها عروس را می‌بینید با لباس سفید اما با چهره خسته و ناامید. در حالی که پدر و مادرش شاد و خوشحالند؛ خوشحال از این‌که فرزندشان برگه نجات از این جهنم را دریافت کرده است. این در حقیقت یک نوع معامله است؛ رهایی از اسارت طالب و تسلیمی در برابر یک مرد.» می‌گوید که ما زنان مرگ را به چشم خود دیده‌ایم: «زن یعنی مرده داخل گور، چه آن گور خانه باشد به‌پیمانه بزرگ‌تر و چه گوری باشد که دفن می‌شود. در آن یکی زنانه‌گی، زیبایی، رنگ‌ها، امید و آرزوها و در این یکی تن زن دفن می‌شود.»

مهر به یگانه جزیره آرام اشاره می‌کند که به‌مثابه پناه‌گاه و آنتی‌تز در برابر آوار سیاهی طالبانی به آن پناه می‌برد: «بیش‌تر مطالعه می‌کنم. روی خودم و توانایی‌هایم سرمایه‌گذاری می‌کنم. دورادورم سیم خاردار کشیده‌ام که با افکار سیاه مسموم نشوم. بخوابی‌نخواهی وقتی داخل یک محیط آلوده شوی مثلاً در زمان شیوع ویروس کرونا همه ماسک و دست‌کش می‌پوشیدند و در خانه‌های‌شان می‌ماندند که از شر ویروس در امان بمانند. ویروس طالب به‌مراتب خطرناک‌تر از کروناست.» مهر می‌گوید: «هرچند من آن خوش‌بینی‌ام را در ۱۵ اگست جا گذاشتم، اما رگه‌های امید هنوز زنده است. دوست دارم روزی راوی حکایت‌های شیرین، عشق و امید زنان کشور باشم.» او با لحن سرشار از صلابت حرف‌هایش را پایان داد و آرزوی رسیدن به آگاهی، نبوغ فکری و سیاسی برای مردمش کرد تا دیگر هیچ گروه و فردی قادر به تحمیل اراده و رای خود بر مردم نباشند.



ک. پرتو نادری
بخش دوم

رودکی رابطه انسان و جهان را به رابطه مسافری با کاروان سرایی همانند می‌کند. مسافر در کاروان سرا زیاد نمی‌پاید، روزی باید آن را ترک کند. چنین تمثیلی در رباعیات خیام نیز به تکرار آمده است.

به سرای سپنج مهمان را
دل نهادن همیشه‌گی نه رواست
زیر خاک اندرون‌ت باید خفت
گرچه اکنونت خواب بر دیباست
با کسان بودنت چه سود کند
که به گور اندرون شدن تنه‌است
یار تو زیر خاک مور و مگس
چشم بگشا، ببین کنون پیداست
دیوان، ص ۷۰

مرگ سرنوشت آدمی است. زنده‌گی سفری است به سوی مرگ. انتظاری است برای مرگ. گویی ما برای آن زنده‌گی می‌کنیم که بمیریم. چنان است که رودکی این جهان را چنان مهمان سرایی می‌بیند و می‌داند که هیچ مهمانی همیشه‌گی در مهمان سرایی نمی‌پاید.

زنده‌گانی چه کوتاه و چه دراز
نه به آخر ببرد باید باز
همه بر چنبر گذار خواهد بود
این رسن را اگرچه هست دراز
خواهی اندر عنا و شدت زی
خواهی اندر امان به‌شدت و ناز
این همه باد و بود تو خواب است
خوب را حکم نی، مگر به مجاز
این همه روز مرگ یک سانند
نشناسی ز یکدیگرشان باز
دیوان، ص ۹۲

مرگ در هر حالی به سراغ هر کسی می‌آید. چه آنانی که ریسمان زنده‌گی‌شان کوتاه باشد و چه دراز. چه در شادکامی به سر برند و چه در تلخ‌کامی. خیام نیز در این رباعی به همین مضمون نظر دارد. زنده‌گی چه کوتاه باشد و چه دراز، در هر حال مرگ، نقطه پایان است.

دنیا به مراد رانده گیر، آخر چه
وین نامه عمر خوانده گیر، آخر چه
گیرم که به کام دل بماندی صد سال
صد سال دگر بمانده گیر، آخر چه
ترانه‌های خیام، صادق هدایت، نشر تدبیر ۱۳۱۳، ص ۹۲

گاهی مرگ را ناقوسی می‌داند که به صدا می‌آید. ما را هشدار می‌دهد که سفر بی‌برگشت خود را از یاد مبرید. این مفهوم در رباعی‌های خیام بازتاب گسترده‌ای دارد.

مہتران جهان همه مردند
مرگ را سر همه فرو کردند
زیر خاک اندرون شدند آنان
که همه کوشک‌ها بر آوردند
از هزاران هزار نعمت و ناز

اندیشه‌های خیامی در سروده‌های رودکی

نه به آخر به جز کفن بردند
بود از نعمت آنچه پوشیدند
و آنچه دادند و آنچه را خوردند
دیوان، ص ۸۱

کاخ‌نشینان و ویرانه‌نشینان همه با یک کفن از این جهان رفته‌اند و می‌روند. نعمتی هم که با خود برده‌اند، همان چیزهایی است که خوردند و همان چیزهایی است که تهی‌دستان را دادند. مرگ عدالت شگرفی است. سرنوشت یگانه‌ی همه انسان‌هاست. چه تهی‌دست و نان‌گدا باشند، چه زورمند و زرمند.

ای دیده اگر کور نه‌ای گور ببین
وین عالم پر فتنه و پرشو ببین
شاهان و سران و سروران زیر گل‌اند
روهای چومه در دهن مور ببین
رباعیات، ص ۱۳۷

رودکی پیش از خیام مویه‌گر مرگ انسان بوده است. مرگ در سروده‌های او مفهوم و تصویرهای تلخی دارد. مرگ را شکارگری می‌داند که از آن گریزی نیست.

هر جایی، در هر مقامی که باشی ترا شکار می‌کند.
همان‌گونه که صعوه همیشه شکار زغن است.
صعوه پرندۀ کوچکی است مانند گنجشک و زغن
پرنده‌ای است گوشت‌خوار و شکاری. آن را غلیوچ
نیز گویند. در زبان گفتار بدخشان آن را غلیماچ
گویند که پرنده‌های کوچک و جوجه‌های مرغان
خانه‌گی را شکار می‌کند.

این پرنده گوشت‌خوار همیشه بر گنجشکان پیروز است، همان‌گونه که مرگ بر انسان دیر یا زود پیروز می‌شود. هر گلی که در باغ می‌شگوفد چه زود و چه دیر پژمرده می‌شود. هر انسانی که به دنیا می‌آید چه زود و چه دیر می‌میرد و از این جهان می‌رود.

جمله صید این جهانیم، ای پسر
ما چو صعوه، مرگ بر سان زغن
هر گلی پژمرده گردد زو، نه دیر
مرگ بفشارد همه در زیر غن
دیوان، ص ۹۸

خیام این جهان را گذرگاه باد می‌داند و زنده‌گی مانند چراگی است در این گذرگاه. هر آن ممکن است که بادی بوزد و چراغ زنده‌گی انسان را خاموش را خاموش سازد.

در رهگذری باد، چراگی که تراست
ترسم که بيمرد از فراگی که تراست
بوی جگر سوخته عالم بگرفت
گر نشنیدی زهی دماغی که تراست
ترانه‌های خیام، ص ۱۱۷

«باد» نماد مرگ است. آنانی که رفته‌اند چراغ زنده‌گی‌شان را باد مرگ خاموش کرده‌اند. آنان رفته‌اند و جگرهای بازمانده‌گان کباب شده است. چنین است که زیر زمین پر می‌شود از رفته‌گان و روی زمین پر می‌شود از بوی جگرهای سوخته! مرگ ما را مانند یک شکارچی پیوسته شکار می‌کند. نه از جوانی کسی شرم دارد و نه هم از زیبایی او.

تقدیر، که بر کشتنت آرم نداشت
بر حسن و جوانیت دل نرم نداشت
اندر عجبم ز جان‌ستان کز چو تویی
جان بستد و از جمال تو شرم نداشت
دیوان، ص ۱۱۸

در میان مردم در تعریف زیبایی دختران جوان سخنی وجود دارد که می‌گویند: چنان زیباست که

دل گرگ هم نمی‌شود او را بخورد.
رودکی تقدیر را نکوهش می‌کند و شگفت‌زده است که تقدیر چگونه بی‌رحمانه توانسته است که جان یک چنین عزیز زیبا را به دست مرگ بسپارد. مگر از زیبایی جمال آن عزیز شرمی نداشت.

خواهی تا مرگ نیابد ترا
خواهی کز مرگ بیایی امان
زیر زمین خیز نهفتی بجوی
پس به فلک بر شو بی‌نردبان
دیوان، ۱۰۶

بی‌نردبان که بر آسمان بر آمدن، یا در زیر زمین فرو رفتن و پنهان شدن، کار ممکن نیست. حتا اگر چنین هم کنی راه گریزی از مرگ نداری. در هیچ حالی کسی از مرگ در امان بوده نمی‌تواند.

انسان همیشه موجود سوگوار بوده و بر روی زمین درد کشیده است. از آدم و حوا گرفته تا انسان امروز هر کس که عزیزی را از دست می‌دهد، مانند آن است که پاره‌های هستی خود را با او به خاک می‌سپارد.

هیچ شادی نیست اندر این جهان
برتر از دیدار روی دوستان
هیچ تلخی نیست بر دل تلخ‌تر
از فراق دوستان پر هنر
دیوان، ص ۱۵۶

انسان در زنده‌گی با رفتن عزیزانش بار بار می‌میرد. ناسازگاری‌های روزگار هم گاهی چنان جدایی‌هایی را در میان دوستان و نزدیکان پدید می‌آورد که دیگر امید به دیدار همدیگر ندارند. چنین است که رودکی دیدار دوستان را بزرگ‌ترین شادمانی در این جهان می‌داند.

ما همه خوش خوریم و خوش خسیبیم
تو در آن گور تنگ تنهایی
نه چنان خفته‌ای که بر خیزی
نه چنان رفته‌ای که باز آیی

خواب مرگ بیداری ندارد، سفر مرگ را هم برگشتی نیست. مردمان می‌گویند که دوستی‌های جهان تا لب گور است.

خیام نیز مانند رودکی از مرگ به رفتن بی‌برگشت تعبیر می‌کند. «باز آمدنت نیست چو رفتی رفتی». گاهی خیام با گونه‌ای از حس بدبینی اندوه جهان را چنان بیان می‌کند که انسان را از آمدنش به این جهان پشیمان می‌سازد.

چون حاصل آدمی در این دیر دو در
جز درد دل و دادن جان نیست دگر
خرم دل آن که یک نفس زنده نبود
و آسوده کسی که خود نژاد از مادر
ترانه‌های خیام، ص ۵۸

واقعیت همین است که حاصل زنده‌گی چیزی نیست جز انتظار آمیخته با درد و رنج برای جان دادن و رسیدن به مرگ.

خیام در این رباعی زنده‌گی را ادامه درد و رنج می‌داند و می‌پرسد که اگر چشم کسی به این درد و رنج باز نشد، یعنی به این جهان نیامد چه زبانی کرده است؟

می‌خواهد بگوید که انسان از یک جهان که در آن جا درد و رنجی وجود ندارد به جهان زنده‌گی یعنی جهان درد و رنج می‌آید، بعد می‌میرد و آن گاه است که همه دردها و رنج‌ها به پایان می‌رسد.

تلخ‌ترین و سوزان‌ترین درد برای رودکی همان

دوری دوستان است. گویی فراق دوستان که داستان اجل آن‌ها را از شاعر می‌گیرد خود دهانه سوزان دوزخ است که در سینه او باز می‌شود و دیدار یاران موافق خود بزرگ‌ترین شادی و سرور او در این جهان است. بهشت اوست.

این امر بیان‌گر بزرگ‌ترین منش انسانی در شعر پارسی دری است که پس از رودکی شاعران بزرگ دیگری چون حافظ، خیام، سعدی و دیگران نیز به چنین ارزش‌هایی اشاره کرده و به ما یاد داده‌اند تا قدر دوستان و یاران خود را و ارزش زنده‌گی خود را بدانیم.

هیچ شادی نیست اندر این جهان
بر تر از دیدار روی دوستان
هیچ تلخی نیست بر دل تلخ‌تر
از فراق دوستان پر هنر

سرنوشت همین است، یعنی رسیدن به مرگ. این مرگ با واقعیت تلخ و جان‌سوزی که دارد، همه چیز را و همه آرزوهای انسان را نسبت به زنده‌گی ویران می‌کند. گاهی هم پنجره‌ای از ناامیدی و بدبینی را به‌روی انسان می‌گشاید. انسان‌ها تا به مرگ می‌اندیشند، گاهی آن را چنان چاهی سر راه خود تصور می‌کنند که ناگهان در آن فرو می‌افتند و همه چیز در یک لحظه تمام می‌شود.

چگونه‌گی اندیشه‌های انسان نسبت به مرگ واکنش‌های مشخصی را در زنده‌گی او سبب می‌شود. چنان که شماری دست در دامن تصوف و عرفان می‌زنند، شماری هم به انزوا و دوری از لذت‌های زنده‌گی روی می‌آورند. شماری هم به لحظه‌هایی که در اختیار دارند می‌اندیشند تا آن را به شادکامی گذرانند.

رودکی و خیام با آن که هر دو در چنین موردی، سخنان حزن‌انگیز و دردآلودی دارند، با این حال هیچ‌کدام نمی‌خواهند پنجره ناامیدی را به‌روی ما بگشایند و ما را به ترک دنیا تشویق کنند.

هر دو ما را به این امر فرا می‌خوانند که «دم» را غنیمت شمیریم و تا می‌توانیم به دور از حسرت و اندوه بیهوده گذشته و وسواس‌های آینده با شادکامی زنده‌گی کنیم.

اکنون خورید باده و اکنون زبید شاد
کاکنون برد نصیب حبیب از بر حبیب
ساقی گزین و باده و می خور به بانگ زیر
کز کشت، سار نالد و از باغ، عندلیب
دیوان، ص ۶۹

به خوش‌دلی گذران بعد از این که باد اجل
درخت عمر بداندیش را ز پا افکند
همیشه تا که بود از زمانه نام و نشان
مدام تا که بود گردش سپهر بلند
همان، ص ۸۰

همین مفاهیم در چهارگانی‌های عمر خیام نیز بازتاب دارد.

می‌خور که به زیر گل بسی خواهی خفت
بی‌مونس و بی‌رفیق و بی‌همدم و جفت
ز نهار بکس مگو تو این راز نهفت
هر لاله که پژمرده نخواهد بشکفت
ترانه‌های خیام، ص ۶۸

ای دل چو زمانه می‌کند غمناکت
ناگه برو ز تن روان پاکت
بر سبزه نشین و خوش بزی روزی چند
زان پیش که سبزه بر دمد از خاکت
رباعیات، ص ۱۳

راهی که رودکی و خیام در مقابله با بی‌وفایی و ناپایداری جهان و زنده‌گی نشان می‌دهند، همان است که لحظه زنده‌گی را دریاب و بی‌خیال از مرگ و آنچه که نیامده است، با شادکامی زنده‌گی کن!

تاراج معادن افغانستان؛

معامله با طرف نامشروع



کج محمدعلی نظری

معادن می‌توانند به دست آورند، یک مساله است و مساله دیگر، نداشتن تخصص در کار معدن است. آن شرکت‌ها احتمالا دست به استخراج غیرمعیاری معادن خواهند زد و برای این که سود بیشتری به دست آورند، از هیچ دستاویزی احتراز نخواهند کرد. اگر در جریان کار معادن به آثار باستانی هم آسیبی برسد، آن‌ها اهمیت نخواهند داد. گفته می‌شود حتی برخی معادن در برابر ساخت یک شفاخانه هم به برخی افراد زیر نام شرکت‌های صوری به قرارداد داده شده‌اند. این رویه، به معنای تاراج معادن افغانستان توسط گروه طالبان در داخل کشور است.

در کنار شرکت‌های وابسته به رهبری طالبان و برخی شرکت‌های داخلی دیگر، تعدادی از شرکت‌های بزرگ خارجی نیز بر سر معادن افغانستان وارد معامله با این گروه شده‌اند. این شرکت‌ها که عمدتاً به کشورهای دوست طالبان تعلق دارند، در حالی با این گروه قرارداد استخراج معادن افغانستان را می‌بندند که حاکمیت این گروه مشروعیت داخلی و بین‌المللی ندارد. اخذ قرارداد با یک طرف نامشروع، نامشروع است و استخراج معادن با چنین قراردادهایی، نمی‌تواند معنایی جز تاراج منابع و معادن کشور توسط گروه طالبان و دوستان خارجی‌اش باشد. معادن سرمایه ملی است، اما طالبان از ملت نماینده‌گی نمی‌کنند.

آن‌ها حتی خود هم جامعه را به طالب و غیرطالب دسته‌بندی کرده و به طرف طالب امتیازات ویژه قابل شده است. طالبان و وابسته‌گان‌شان حتی از تعمیر فرامین رهبر این گروه هم مستثنا قرار دارند. یکی از آن نمونه‌ها، احکامی است که این گروه برای متهمان رابطه جنسی غیرقانونی صادر می‌کنند؛ احکامی که در مورد متجاوزان طالب هیچ‌گاهی به اجرا گذاشته نمی‌شود. وقتی صف طالبان هم از نظر این گروه و هم از نظر ملت، از مردم افغانستان مجزا باشد و مشروعیت داخلی و بین‌المللی هم نداشته باشد، نمی‌تواند اموال و دارایی ملت را بفروشد.

اخیراً چندین شرکت بزرگ چینی قراردادهایی را از گروه طالبان به دست آورده‌اند که براساس آن استخراج معادن بزرگ افغانستان را برعهده دارند. یکی از آن قراردادهای، فاز دوم معدن مس سینک لوگر است. با توجه به این که در آن معدن آثار باستانی نیز کشف شده است، با استخراج این معادن، احتمال آسیب رسیدن و حتی نابودی آن آثار هم وجود دارد. بنابراین، چنین استخراج‌هایی، علاوه بر این که داشته‌های مادی کشور را به جیب طالبان و دوستان خارجی این گروه می‌ریزد، داشته‌های فرهنگی کشور را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد.

در همین راستا، در روزهای اخیر کاربران شبکه‌های اجتماعی از کندن کاری در اطراف قلعه چهل‌برج یکاولنگ در بامیان خبر داده‌اند. براساس گفته‌های کاربران، طالبان این کندن کاری‌ها را به منظور کشف معدن راه انداخته‌اند. چهل‌برج یکاولنگ، یکی از آثار باستانی ولایت بامیان است که کندن کاری در اطراف آن، آن هم با ماشین‌های سنگین‌وزن، به آن سازه‌های باستانی آسیب می‌رساند. چنین اقدامات خراب‌کارانه‌ای از گروهی که دشمنی آشکار با داشته‌های فرهنگی کشور از جمله مجسمه‌ها و دیگر آثار باستانی دارد، بعید نیست.

طالبان که با تسلط بر کشور، زیرساخت‌های اداری و اقتصادی کشور را نابود کرده‌اند، اقدامات آن‌ها در راستای استخراج معادن، نگرانی‌ها بابت تخریب و نابودی این معادن و آثار باستانی توسط این گروه را انگیزه است. اکنون داشته‌های مادی و معنوی افغانستان در معرض نابودی و فروش توسط یک گروه قرار دارد.

حقانی نپذیرفت. آن جنجال ماه‌ها طول کشید و هیچ طرفی از مساله کنترل بر آن اداره پردرآمد کوتاه نیامد. به همین دلیل، ماه‌های متوالی آن ریاست از فعالیت باز ماند و طالبان دلیل آن را «مشکل تخنیکی» و «کنهه شدن وسایل» اعلام کردند. در دو سال اخیر، ریاست پاسپورت در کنار آن که بهای این سند را افزایش داده، آن را در بازار سیاه به هزاران دالر می‌فروشد. پاسپورتهایی که در بازار سیاه فروخته می‌شود، بخش بزرگی از درآمد غیرقانونی آن به جیب مقام‌های دخیل می‌ریزد و کسی هم در این مورد حساب گرفته نمی‌تواند.

مساله معادن و تاراج آن‌ها نیز بخشی از تلاش گروه طالبان برای قاپیدن منابع کشور است. این گروه پس از تسلط مجدد، روی معادن کشور تمرکز بالایی دارد و اکثر آن معادن را با نرخ‌های بسیار پایین به فروش رسانده است. در این مورد، مساله رقابت‌های درون‌گروهی هم وجود دارد. سراج‌الدین حقانی که در اوایل مدیریت معادن افغانستان را نیز به دست گرفته بود، کم‌کم دستش از آن منابع کوتاه ساخته شد. دفتر ملا هبت‌الله در قندهار، خود عملاً در پروسه قراردادهای معادن دخالت می‌کند. گفته می‌شود برخی از شرکت‌های داخلی طرف قرارداد وزارت معادن و پترولیم، شرکت‌های خیالی‌اند که توسط دفتر ملا هبت‌الله از قندهار به وزارت معادن زیر کنترل طالبان در کابل، معرفی می‌شوند. گفته می‌شود آن شرکت‌ها که بخشی از آن‌ها اصلاً وجود خارجی ندارند، به دفتر ملا هبت‌الله در قندهار وصل‌اند.

روند عقد قرارداد با شرکت‌ها هم یک‌دست نیست. برخی از شرکت‌ها معدنی را به قرارداد گرفته‌اند که اصلاً مراحل اعلان و داوطلبی و سپس مناقصه را سپری نکرده‌اند. اکثر آن شرکت‌ها با دستور دفتر ملا هبت‌الله از قندهار، توانسته‌اند صاحب قرارداد معادن شوند. نرخی که برای آن معادن در نظر گرفته شده، هم بسیار عجیب است. تعدادی از معادن به شرکت‌هایی به قرارداد داده شده‌اند که اصلاً تخصصی در این حوزه ندارند و کارشان چیزی دیگر است. به‌طور مثال، برای بازسازی برخی از جاده‌ها و شاهراه‌ها، تعدادی از معادن را به شرکت‌های سرک‌سازی داده‌اند تا در بدل آن معادن، سرک‌ها را بازسازی کنند. این که آن شرکت‌ها چندبرابر هزینه بازسازی سرک‌ها را از

طالبان این بار بر منابع مادی خوابیده و برای تاراج آن بین خود مسابقه برگزار کرده‌اند. اولین درگیری درون‌گروهی و نزاع میان رهبران این گروه در اوایل سلطه مجددش، هم بر سر منابع مالی و ادارات درآمدزا صورت گرفت. سراج‌الدین حقانی که بیشتر ولایات افغانستان را سقوط داده بود، وقتی کابل سقوط کرد و گروه طالبان بر کشور سلطه یافت، تلاش کرد ادارات درآمدزا و منابع مالی را در اختیار گیرد. حلقه قندهاری‌ها هم برای تسلط بر منابع مالی کشور آستین بزد. برای همین، تضاد منافع در میان طالبان قندهاری و شبکه حقانی به وجود آمد.

حقانی که در اوایل سلطه طالبان بر کشور اکثر گمرکات، بنادر و سایر ادارات درآمدزا مانند ریاست پاسپورت را در اختیار گرفته بود، کم‌کم از سوی ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، از روی منابع مالی کنار زده شد. در همین راستا، ملا هبت‌الله باری با یک دستور، مسوولان این گروه در بنادر و گمرکات کشور را تبدیل کرد که باعث ناراحتی سراج‌الدین حقانی شد. آن تصمیم غیرمنتظره و کنار زدن یک‌باره مسوولان یک بخش، حتی ملا هبت‌الله بدری، وزیر مالیه وقت این گروه را نیز رنجاند. هر چند بدری از افراد نزدیک به ملا هبت‌الله و شخص مورد اعتماد او خوانده می‌شود، اما در مساله برکناری کارمندان زیر دست او و جای‌گزینی با افراد نزدیک به دفتر قندهار، از او نظر خواسته نشده بود. آن گمارش‌ها، به منظور کنترل بر منابع درآمدزای کشور توسط دفتر ملا هبت‌الله آخوندزاده در قندهار صورت گرفت. طالبان قندهاری همچنان در یک بازی، توانستند برای برادر عالم‌گل حقانی که از سوی گروه حقانی ریاست پردرآمد پاسپورت را مدیریت می‌کرد، پرونده بسازند و شخص رییس پاسپورت را به آن نسبت دهند. هرچند از آن نوع محافل در میان مقام‌های طالبان بسیار رایج است، اما طالبان برای کنار زدن عالم‌گل حقانی به دستاویز نیاز داشتند. نشر ویدیوهای خوش‌گذرانی برادر عالم‌گل حقانی، زمینه برکناری او از ریاست پاسپورت را فراهم کرد و محلی برای دفاع سراج‌الدین حقانی از او نگذاشت. پس از آن، ملا عبدالغنی برادر یکی از نزدیکان خود را به‌عنوان رییس عمومی پاسپورت معرفی کرد، اما سراج‌الدین

مقام ایرانی: طالبان آب رود هیرمند را در ماه عقرب سال روان رها می‌کنند

۸ صبح، کابل: علی‌رضا مرحمتی، معاون والی سیستان و بلوچستان گفته است که طالبان بند کمال‌خان را اصلاح کاری کرده‌اند و آب رود هیرمند در ماه عقرب سال روان توسط این گروه رهاسازی می‌شود.

خبرگزاری دانشجو روز یکشنبه، ۱۲ سنبله، به نقل از مرحمتی گزارش داده که اراده طالبان بر این است که در ماه عقرب آب را رها کنند.

وی با اشاره به مذاکرات با طالبان برای رهاسازی آب رودخانه هیرمند گفته است: «اراده طالبان بر این است که ماه عقرب آب را رها کنند و پاییز ان‌شاءالله خبر خوبی به مردم داده می‌شود؛ بند کمال‌خان هوش‌مندانه ساخته شده بود و اگر آب کمال‌خان از سطح بند بالا آمد به سمت گودزره برود. در دولت‌های قبل افغانستان مشکل را حل نکرد.»

او خاطرنشان کرده است: «طالبان تاج بند را بالا آورده، پشت‌سر آن کانال اضافه کرده، دریچه‌های بند که خراب بود اصلاح شده است و همچنین جک‌های مخصوص آن اصلاح شده بود.»

به گفته وی، طالبان ۱۸ کیلومتر از رودخانه هلمند به سمت ایران را هم لای‌روبی کرده‌اند که این اقدامات ویژه طالبان است.

طالبان تا کنون به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته‌اند.

این در حالی است که چندی پیش نیز سیدابراهیم ریسی، رییس‌جمهور ایران گفت که موضوع کم‌آبی در افغانستان از سوی کشورش پیگیری می‌شود.

موضوع حقابه ایران از رود هیرمند در ماه‌های اخیر به بحث داغ میان طالبان و تهران تبدیل شده است.

به تاریخ ۲۲ اسد سال روان، وزارت خارجه طالبان تایید کرد که زمینه بازدید هیات جمهوری اسلامی ایران از دستگاه آب‌شناسی دهرآوود، در ولایت ارزگان مساعد شد تا جریان آب را مشاهده و اندازه‌گیری کنند.



محمدعلی نظری، مقیم مهران
رضا مرادی
Info@8am.media

Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۷۸۷۹۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

ویراستاران:
صفحه آرایی:
پذیرش مقالات:
پذیرش اعلان:
نشانی پستی:

Sanjar.sohail@8am.media سنجر سهیل
Mohammad.moheq@8am.media محمد محق
Hasib.bahesh@8am.media حسیب بهش
محمد نوید جویا
امین کاوه

صاحب امتیاز:
مدیرمسول:
سرمدیر:
دبیر تولید:
خبرنگار ارشد:



Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

بربنیاد گزارش‌ها، وزیر امور خارجه ترکیه برای دیدار و گفت‌وگو با مقام‌های جمهوری اسلامی ایران به تهران سفر کرده است. رسانه‌های ایرانی روز یکشنبه، ۳ سپتامبر، گزارش داده‌اند که هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه پس از دیدار با حسین امیرعبداللّه‌یان، وزیر امور خارجه آن کشور به دیدار قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی آن کشور خواهد رفت. وی همچنان قرار است با سید ابراهیم ریسی، رئیس‌جمهور ایران نیز دیدار کند. وزارت خارجه ترکیه نیز با انتشار بیانیه‌ای درباره این سفر گفته است که در این سفر پیشبرد همکاری با ایران در هر زمینه‌ای مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به گفته این وزارت، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز محور بحث دو طرف خواهد بود.

تیم ملی کریکت افغانستان در برابر بنگلادیش شکست خورد



۸ صبح، کابل: تیم ملی کریکت افغانستان در مرحله گروهی جام آسیا، با تفاوت ۸۹ دوش در برابر تیم ملی کریکت بنگلادیش شکست خورد. این دیدار یکشنبه‌شب، ۱۲ سنبله، در ورزشگاه قذافی شهر لاهور پاکستان برگزار شد. در این دیدار نخست بنگلادیش توپ‌اندازی را آغاز کرد و در ۵۰ اور با از دست دادن پنج بازیکن ۳۳۴ دوش انجام داد و ۳۳۵ دوش را به افغانستان هدف تعیین کرد. در ادامه افغانستان توپ‌زنی را آغاز کرد و در ۴۴ اور تمام بازیکنانش را از دست داد و نتوانست هدف تعیین شده را تکمیل کند. مهدی حسن، بازیکن تیم ملی کریکت بنگلادیش بهترین بازیکن این دیدار انتخاب شد. قرار است تیم ملی کریکت افغانستان در دومین دیدار در رقابت‌های جام آسیا، روز سه‌شنبه، ۱۴ سنبله، به مصاف تیم سریلانکا برود.

کامبک توپ‌چی هادر خانه؛ آرسنال در آخرین دقیق منچستر یونایتد را در هم کوبید



تیم فوتبال آرسنال در چهارمین هفته لیگ برتر انگلستان تیم فوتبال منچستر یونایتد را شکست داد. این دیدار یکشنبه‌شب، ۳ سپتامبر، در ورزشگاه امارات با برتری سه بر یک توپ‌چی‌ها پایان یافت. در این دیدار نخست شیاطین سرخ در دقیقه ۲۷ بازی توسط مارکوس راشفورد یک بر صفر پیش افتادند، اما یک دقیقه پس از این گول، مارتین اودگارد گول خورده را جبران کرد و نیمه نخست با نتیجه یک بر یک پایان یافت. در نیمه دوم بازی، این دیدار تا آخرین دقیق یک بر یک مساوی پیش می‌رفت، اما توپ‌چی‌ها دو گول دیگر در وقت‌های اضافه بازی زدند تا سه امتیاز بازی را از آن خود کنند. در این دیدار دکلان رایس و گابریل جیسوس نجات دهنده‌های آرسنال از یک تساوی در خانه بودند. با این پیروزی آرسنال در جایگاه پنجم قرار گرفت و منچستر یونایتد نیز در جایگاه یازدهم جدول سقوط کرد. این سومین پیروزی آرسنال در چهارمین هفته لیگ برتر انگلستان بود.

عدم اشتراک رییس جمهور چین در نشست گروه بیست؛ بایدن: مایوس شدم



جو بایدن، رییس‌جمهور آمریکا، می‌گوید که از عدم اشتراک شی جین‌پینگ، همتای چینی‌اش در نشست رهبران کشورهای گروه بیست در هند مایوس شده است. به گزارش رویترز، بایدن این موضوع را روز یکشنبه، ۳ سپتامبر، در جریان سفرش به ایالت دلاور آمریکا بیان کرده است. وی افزوده است: «مایوس شدم. اما قصد دارم با او دیدار کنم.»

پیشتر جان کربی سخنگوی کاخ سفید گفت که بایدن قصد دارد در حاشیه اجلاس گروه بیست با همتای چینی‌اش دیدار و گفت‌وگو کند، اما تصمیم‌گیری برای حضور در نشست دهلی‌نو بر عهده رییس‌جمهوری چین است. منابع آگاه به رویترز گفته‌اند که احتمالاً شی جین‌پینگ، رییس‌جمهوری چین، در نشست رهبران گروه بیست که قرار است از تاریخ ۷ تا ۹ ماه جاری میلادی در هند برگزار شود شرکت نکند و به جای او لی کیانگ، نخست‌وزیر این کشور در این نشست حضور خواهد یافت.

وزارت امور خارجه چین هفته گذشته اعلام کرد که هنوز برنامه‌های شی برای شرکت در این نشست مشخص نشده است. جو بایدن در کنار اشتراک در نشست گروه بیست قرار است در این سفر آسیایی از ویتنام نیز دیدار کند. منابع در حالی از عدم اشتراک رییس‌جمهور چین در نشست گروه بیست خبر می‌دهند که وی چند روز پیش در نشست رهبران کشورهای در حال توسعه یا بریکس در افریقای جنوبی اشتراک کرد. کارشناسان هدف برگزاری این نشست را کاهش سلطه دالر آمریکایی در جهان عنوان کردند.

افزایش حملات تروریستی در پاکستان؛ نزدیک به ۱۰۰ حمله تنها در یک ماه به ثبت رسید



موسسه مطالعات درگیری و امنیت پاکستان (PICSS) از افزایش حملات «تروریستی» در آن کشور خبر داده است. این موسسه روز یکشنبه، ۳ سپتامبر، با نشر گزارشی گفته که تنها در ماه اگست سال جاری میلادی، دست کم ۹۹ حمله تروریستی در سراسر پاکستان رخ داده است.

روزنامه داون، گزارش داده که حملات ماه گذشته میلادی بالاترین آمار حملات ماهانه در نُه سال گذشته در پاکستان بوده است. بربنیاد این گزارش، پاکستان در هشت ماه نخست سال جاری میلادی گواه ۲۲ حمله انتحاری بوده است که در پی آن دست کم ۲۲۷ تن جان باخته و ۴۹۷ تن دیگر زخمی شده‌اند. قربانیان این حملات شامل غیرنظامیان نیز می‌شود. ولایت‌های بلوچستان و خیبرپشتون‌خواه گواه بیشترین حملات تروریستی در سال ۲۰۲۳ بوده است. بیشتر این حملات از سوی طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) انجام شده است. موسسه مطالعات درگیری و امنیت پاکستان افزوده است: «وضعیت امنیتی پاکستان با افزایش بی‌امان حملات تروریستی در این کشور وخیم تر شده است.»

زلنسکی و مکرون در مورد آموزش خلبانان اوکراینی به توافق رسیدند

ولادیمیر زلنسکی، رییس‌جمهور اوکراین می‌گوید که در تماس تلفونی با امانوئل مکرون، همتای فرانسوی‌اش در زمینه آموزش خلبانان این کشور در فرانسه به توافق رسیده‌اند. به گزارش رویترز، زلنسکی این موضوع را یکشنبه‌شب، ۳ سپتامبر، در سخنرانی ویدیویی خود بیان کرده است.

وی افزوده است: «ایتلاف جنگنده‌های مدرن ما در حال قوی‌تر شدن است.» زلنسکی در مورد این که خلبانان اوکراینی چه نوع آموزش خواهند دید، جزئیاتی ارائه نکرده است. فرانسه برخلاف دنمارک و هلند جنگنده‌های F-۱۶ ندارد اما به جای آن رافال و میراژ ۲۰۰۰ در اختیار دارد.



رییس‌جمهور اوکراین همچنان بدون ارایه جزئیات گفته که با مکرون درباره کمک‌های فرانسه به حفاظت از شهر و منطقه اودسا که مرکز صادرات غلات این کشور است، رایزنی کرده است. این در حالی است که وزارت امور خارجه فرانسه ماه گذشته اعلام کرد که حمایت نظامی از اوکراین را افزایش خواهد داد و قابلیت‌های دفاع هوایی آن کشور را تقویت می‌کند. کی‌یف بیشتر خواستار ارسال جنگنده‌های F-۱۶ برای مبارزه هوایی با روسیه از متحدان غربی‌اش است. پیش از این دنمارک و هلند با ارسال شماری از این جنگنده‌ها به اوکراین موافقت کرده‌اند. مقام‌های در کی‌یف گفتند که نظامیان اوکراین به ۱۶۰ جنگنده F-۱۶ نیاز دارند.

زلنسکی وزیر دفاع خود را برکنار کرد



اوکراین در هفته‌های اخیر حملات پهپادی علیه روسیه را افزایش داده است. کی‌یف علاوه بر پهپاد، شهباد نیز دارد که از آنها برای حمله به پلی کریمه استفاده کرده است. نظامیان کی‌یف برای حمله به قلمرو روسیه از تسلیحاتی که در خاک اوکراین تولید می‌شود، استفاده می‌کنند. این در حالی است که اوکراین در چند ماه اخیر بالای پایگاه‌های هوایی روسیه در مسکو، کریمه و مناطق مرزی این کشور حمله پهپادی انجام داده است. نابودی زیرساخت‌های روسیه اهداف این حملات عنوان شده است.

ولادیمیر زلنسکی، رییس‌جمهور اوکراین، اولکسی رزنیکوف، وزیر دفاع این کشور را برکنار و رستم اومروف را جانشین او معرفی کرده است. رویترز یکشنبه‌شب، ۳ سپتامبر، گزارش داده که قرار است اومروف در جریان همین هفته از سوی پارلمان اوکراین به سمت وزارت دفاع این کشور منصوب شود. زلنسکی این خبر را در سخنرانی شبانه خود اعلام کرده است. وی در مورد برکناری وزیر دفاع پیشین اوکراین گفته است: «من معتقدم که وزارت دفاع به رویکردها و چارچوب‌های تعاملات جدیدی با ارتش و جامعه نیاز دارد.» این تصمیم بزرگترین تغییرات در تشکیلات دفاعی اوکراین پس حمله روسیه به این کشور در ماه فبروری ۲۰۲۲ است. اومروف ۴۱ ساله از نمایندگان سابق اوکراین و از تاتارهای کریمه است. وی از سپتامبر ۲۰۲۲ تاکنون ریاست صندوق دارایی‌های دولتی این کشور را برعهده دارد. رزنیکوف در حالی از این سمت برکنار شد که وی روز یکشنبه در مورد تحولات جنگ و برنامه‌های نظامی اوکراین معلومات ارایه کرد. وی با بیان این که حملات پهپادی علیه خاک روسیه شدت گرفته از تلاش کی‌یف برای افزایش تولید پهپاد خبر داده است. رزنیکوف در آخرین مصاحبه‌اش گفته است: «فکر می‌کنم که تولید پهپادهای مختلف ما در خزان امسال افزایش پیدا کند.»